



مادرانه‌های مریلا

مروری بر نقش‌های مادرانه مریلا زارعی
که در این سال‌ها داشته است



درباره بازی درخشان مریلا زارعی

حالا نوبت سیمرغ

عاطفه جعفری | **دیپکوه فرهنگ**
یک مثالی در دنیای فیلمسازی مشهور است که می‌گوید: بازیگر باید بتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. این ارتباط از طریق احساسات و قدرت همذات‌پنداری است که به وجود می‌آید. بازیگر در واقع یک پل ارتباطی بین دنیای داستان و بیننده است. همین جمله، مثال خوبی برای شروع صحبت درباره نقش مریلا زارعی در «موسی کلیم الله» است. زارعی به‌طور معمول در نقش‌هایی که احساسات قوی دارند، بسیار موفق عمل می‌کند. او در فیلم جدید ابراهیم حاتمی‌کیا، نقشش یوکا مادر «موسی» است، او معمولاً در سینما و تلویزیون به عنوان بازیگری شناخته می‌شود که می‌تواند به خوبی شخصیت‌های متفاوت و چالش‌برانگیز را به‌طور طبیعی و باورپذیر بازی کند. یادآوری بازی‌های زارعی در نقش «مادر» در فیلم‌های مختلف گواهی می‌دهد که می‌تواند به زیبایی عمق احساسات مادرانه را منتقل کند. او در فیلم‌ها و سریال‌های مختلفی که نقش مادر را ایفا کرده‌توانسته با جزئیات دقیق و حرکات نرم پیچیدگی‌های این نقش را به خوبی نشان دهد. بار اصلی فیلم جدید حاتمی‌کیا به دوش مریلا زارعی است، ویژگی‌های خاص بازی او در نقش مادر، مثل ظرافت در احساسات، قدرت در لحظات حساس و رنج و نگرانی‌های درونی، که معمولاً از نقاط قوت بازی‌های زارعی است در این کاراکتر هم به خوبی نمایان شده است. اساساً هدف از بازیگری انتقال یک داستان، احساس یا پیام خاص به تماشاگر است. هر قدر بازیگر بتواند نقش خود را به درستی و با عمق احساسات ایفا کند تماشاگر راحت‌تر با شخصیت‌ها و رویدادهای فیلم یا نمایش ارتباط برقرار می‌کند. وقتی بازیگر درک درست و عمیقی از شخصیت و موقعیت‌های داستانی داشته باشد، می‌تواند آنها را به‌طور طبیعی و باورپذیر به نمایش بگذارد. یوکا مادر موسی، شخصیت جدیدی که مریلا زارعی خلق کرده، پل ارتباطی است بین تماشاگر و داستان یا پیام‌های فیلم. چون بازیگران دیگران چنان‌که باید و شاید نمی‌توانند پل ارتباطی خوبی باشند؛ همین بازی‌ها باعث شده‌تتماشاگر از دنیای فیلم خارج شود و احساس کند که چیزی غیرواقعی یا سطحی در کار است. اما مریلا زارعی بار همه بازیگران را به دوش کشیده و به زیبایی احساسات درونی شخصیتش را به تصویر می‌کشد. او به‌واسطه درک صحیح از ویژگی‌ها و درون‌مایه‌های شخصیت یوکا به زبان بدن، لحن صدا و همچنین واکنش‌هایش می‌تواند به تماشاگر این حس را بدهد که شخصیتی زنده است نه فقط یک نقش یا تیپ بازی شده. نگاه جدید ابراهیم حاتمی‌کیا به شخصیت زن، در فیلم جدیدش نکته دیگری است که نمی‌توان آن را غافل شد. همیشه این تصویر در ذهن بسیاری از کارشناسان حوزه سینما وجود دارد که زنان در فیلم‌ها و پرده‌نشینند، اما این بار حاتمی‌کیا در «موسی کلیم الله» جور دیگری زنان را تصویر کرده. ۴ نقش اصلی یوکا، آسیه، فوزه و خواهر موسی در مقابل مروان قرار می‌گیرند که با نقش‌شان منفی است و یا منفعل. کاراکتر جدید مریلا زارعی در فیلم جدید حاتمی‌کیا احتمالاً، برای او سیمرغ چهارم به همراه خواهد داشت تا مادرانه‌ترین نقشی که او ایفا کرده است را کامل کند. نقشی که زارعی آن را از دل تاریخ درآورده است.

ابراهیم حاتمی‌کیا با ساخت «موسی کلیم الله» وارد دوران تازه‌ای از فیلمسازی خود شد، اثر جدید او موافقان و مخالفان خود را دارد

حاتمی‌کیای چهارم

حاتمی‌کیای چهارم

محمد قربانی | **منتقد**
فیلمسازی حاتمی‌کیا است. کارنامه سینمایی حاتمی‌کیا را - صرف نظر از فیلم‌های کوتاه و سریال‌ها - می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول از «هویت» تا «آوانس شیشه‌ای»، دوره دوم از «روبان قرمز» تا «گزارش یک جشن» و دوره سوم از «ح» تا «خروج». حاتمی‌کیا دوره چهارم را متهورانه آغاز کرده است و به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین خطر برای او در این دوره، باختن سینما به تکنولوژی باشد. آن سینمایی که از ابراهیم حاتمی‌کیا توقع داریم، همان سینمایی است که تکنیک در آن برای کشف حقیقت به کار گرفته می‌شود. اما در «موسی»، تکنیک به قدری برجسته است که امکان فرم گرفتن اثر را از آن گرفته و در واقع تکنیک، فرم آخرین فیلم حاتمی‌کیا را بلعیده است. قطعاً اوضاع در تلویزیون و نسخه سریالی «موسی» بهتر خواهد بود و یقیناً در مقابل لزوم ساخت نسخه سینمایی سریال «موسی»، تا ابد یک علامت سوال باقی خواهد ماند. «موسی» در امتداد ریسک‌های بزرگ حاتمی‌کیا در کارنامه فیلمسازی‌اش است. ریسک‌هایی که گاه مثل «آوانس شیشه‌ای» گرفته‌اند و گاهی مانند «روبان قرمز» توفیق چندانی نیافته‌اند. اما حالا با دیدن «موسی»، می‌توان گفت که این فیلم، متهورانه‌ترین فیلم حاتمی‌کیا در فرم و مضمون است. از اصلی‌ترین چالش‌ها و خطراتی که حاتمی‌کیا در «موسی» با آن‌ها مواجه بوده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساخت سریال توسط حاتمی‌کیایی که سریال‌هایش در زمره آثار برجسته‌اش نیستند، درآوردن نسخه سینمایی - آن هم با پیچی - از اثری با ضرورت‌های مدیوم تلویزیون ساخته شده است، به‌کارگیری بازیگرانی که با نقش‌هایشان در فیلم‌ها و مجموعه‌های کم‌دی شناخته می‌شوند، انتخاب داستانی که روایات و مکتوبات مفصلی پشت خود دارد و مناقشات تاریخی و اعتقادی بسیاری را به همراه خواهد داشت، برگزیدن قصه‌ای آشنا که برای تماشاگر غافلگیری ندارد و البته - و از همه مهم‌تر - استفاده از تکنولوژی‌ای که برای اولین بار در سینمای ایران به کار گرفته می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۲